Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh
14th Year, No. 53, 2026

The Impact of the United States' Withdrawal from the JCPOA on Iran's Foreign Policy (2018–2024)

Yaser Garivani[1], Seyed Farshid Jafari Paybandi[2], Mehdi Khoshkhatti[3]

[1] *Ph.D., Student, Department of Political Science, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. yaser.garivani.0941@gmail.com*
[2] *Department of Political Science, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran* ***(Corresponding Author).*** *s.f.j.1403gg@gmail.com*
[3] *Department of Political Science, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. mahdi.kh.gg@gmail.com*

Abstract

The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) is a multilateral agreement negotiated by Iran and the P5+1 countries to promote international peace and security. According to expert assessments, its initial implementation helped steer developments in the Middle East toward greater stability and brought Iran significant political and security benefits, including enhanced economic security. This study asks: How did Tehran's foreign policy orientations and patterns evolve following the United States' withdrawal from the JCPOA over the period 2018–2024? It hypothesizes that Iran redirected its foreign policy toward the East to mitigate the effects of U.S. and Western sanctions and establish a regional balance of power. Using a descriptive-analytical method, the study finds that the United States' maximum-pressure policy, which continued without a significant reduction in intensity into the beginning of the Biden administration, heightened political threats and risks to Iran's economic security in both domestic and international contexts. Intensifying tensions among Persian Gulf countries further jeopardized regional peace and stability. Iran, which had sought sanctions relief and desecuritization through the JCPOA, subsequently pursued closer ties with Russia and China under its "Look to the East" policy while distancing itself from Europe. This reorientation sought to balance regional power and alleviate sanctions following what Iran regarded as the United States' failure to honor its commitments and the West's increasingly cool approach to engagement with Tehran.

Keywords: sanctions, United States, Iranian foreign policy, Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), nuclear program, China, Europe, Russia.

Received: 2025-09-05 ; **Received in revised form:** 2025-12-03 ; **Accepted:** 2025-12-22 ; **Published online:** 2026-03-30
https://doi.org/10.22034/sm.2025.2042615.2244
© the authors
http://sm.psas.ir **Article type:** Research Article
Publisher: Political Studies Association of the Seminary

فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه
سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۰۵

تأثیر خروج ایالات‌متحده آمریکا از برجام بر سیاست خارجی ایران (۲۰۱۸-۲۰۲۴)

یاسر گریوانی[۱]، **سید فرشید جعفری پایبندی**[۲]، **مهدی خوش‌خطی**[۳]

[۱] دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. yaser.garivani.0941@gmail.com
[۲] گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران (**نویسنده مسئول**). s.f.j.1403gg@gmail.com
[۳] گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران. mahdi.kh.gg@gmail.com

چکیده

برجام، موافقتنامه‌ای چندجانبه است که با کار مشترک کشورهای ۵+۱ و ایران، با هدف تأمین صلح و امنیت بین‌المللی پدید آمد. مطابق پیش‌بینی کارشناسان در مدت کوتاه اجرای آن، روند مثبتی در هدایت تحولات خاورمیانه به سوی ثبات اتفاق افتاد و از منظر سیاسی و ابعاد مختلف امنیتی ازجمله امنیت اقتصادی، برای ایران نیز بسیار مفید بود. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال اصلی است که با خروج آمریکا از برجام (۲۰۱۸-۲۰۲۴) جهت‌گیری و الگوهای سیاست خارجی تهران چه سمت و سویی یافته است؟ فرضیه پژوهش این است که ایران با هدف کاهش شدت پیامدهای تحریم‌های آمریکا و غرب و ایجاد موازنه قدرت در منطقه، سیاست خارجی خود را به سمت شرق سوق داد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. یافته‌ها نشان داد که به‌کارگیری سیاست فشار حداکثری آمریکا به ایران که تا آغاز دوره بایدن نیز از شدت آن کاسته نشد، موجب افزایش تهدیدات سیاسی و امنیت اقتصادی در ابعاد مختلف داخلی و خارجی ایران شد. با افزایش برخوردها میان کشورهای منطقه خلیج‌فارس، صلح و ثبات در منطقه به خطر افتاد و ایران که از توافق برجام به‌دنبال کاهش تحریم‌ها و امنیت‌زدایی بود، برای توازن قدرت در منطقه و کاهش تحریم‌ها، بعد از بدعهدی آمریکا و سردی غرب در سیاست خارجی خود، با نگاه به شرق به قدرت‌های بزرگ روسیه و چین نزدیک‌تر شد و از اروپا نیز فاصله گرفت.

واژه‌های کلیدی: تحریم، آمریکا، سیاست خارجی ایران، برجام، برنامه هسته‌ای، چین، اروپا، روسیه.

استناد به این مقاله: گریوانی، یاسر؛ جعفری پایبندی، سید فرشید؛ خوش‌خطی، مهدی (۱۴۰۵). تأثیر خروج ایالات‌متحده آمریکا از برجام بر سیاست خارجی ایران (۲۰۱۸-۲۰۲۴). *سیاست متعالیه*، ۱۴(۱): ص۱۹۷-۲۱۸. https://doi.org/10.22034/sm.2025.2042615.2244

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه **نوع مقاله:** پژوهشی http://sm.psas.ir

© the authors

مقدمه

بررسی رویکردهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا و آمریکا در دوره پس از پایان جنگ سرد نشان از دیدگاه مشترک آنان در تهدید تلقی‌کردن برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان عاملی برای تشدید بی‌ثباتی منطقه‌ای و تهدیدی برای موجودیت آنان در آینده دارد. این تصویرسازی ترسناک از ایران به‌عنوان کشور برهم‌زننده هنجارهای نظام بین‌الملل و ناقض منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سطح بین‌الملل، برای ایران پیامد منفی داشت. همین امر باعث کنار گذاشته شدن ایران از مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و کاهش نقش آن در خاورمیانه شد (نادری‌نسب، ۱۳۸۹: ص۴۴).

ایران که قبل از انقلاب، متحد آمریکا در منطقه بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با حادثه سفارت آمریکا در تهران، اقدامات منفی آمریکا علیه ایران با اعمال تحریم‌ها آغاز شد. به‌طوری که آمریکا در جنگ بین ایران و عراق، با حمایت از عراق، دشمنی خود را به ایران ثابت کرد و بدین ترتیب اتحاد بین این دو کشور به دشمنی تبدیل شد و درنهایت رابطه ایران و آمریکا به‌طور کامل قطع شد (Biglari & Araghi, 2015: p. 159). ایران، برای نشان دادن بیزاری خود از آمریکا، با نزدیکی به روسیه برای کمک به او در ساخت راکتورهای هسته‌ای، به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ظاهر شد که ایالات‌متحده این اقدام ایران را با اعمال تحریم، مسدود کردن سرمایه‌های ایران در خارج از کشور و محاصره اقتصادی و سیاسی آن، پاسخ داد. تمامی تحریم‌ها مبتنی بر ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی به ایران و تحریم‌های اقتصادی بوده است (طغیانی، ۱۳۹۶: ص۲۶۱-۲۷۱). با روی کار آمدن اوباما، از شدت اقدامات کاسته شد. وی تلاش کرد تا پشت میز مذاکره بنشیند؛ وی به‌دنبال دستیابی به نقاط مشترک برای کاهش خصومت آمریکا و ایران و ملزم کردن ایران به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و جلوگیری از داشتن سلاح یا بمب هسته‌ای بود. او در سال ۲۰۰۹، برای اتخاذ راهبرد اقدامات دیپلماتیک در قبال ایران تلاش زیادی کرد، در سیاست خارجی، هدفش محدود کردن دخالت نظامی ایالات‌متحده در خارج از کشور و تبلیغ همکاری بین کشورها به‌جای سلطه بر آنها بود. نتیجه این راهبرد، توافقی موسوم به برجام بود که در سال ۲۰۱۵ بین ایران و گروه ۵+۱ (اعضای دائم شورای امنیت) حاصل شد (Malus, 2018: p. 135). پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که بعد از خروج آمریکا از برجام (۲۰۱۸-۲۰۲۴)، جهت‌گیری و الگوهای سیاست خارجی تهران چه سمت و سویی یافته است؟ در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه پژوهش این است که ایران با هدف کاهش شدت پیامدهای تحریم‌های آمریکا و غرب و ایجاد موازنه قدرت در منطقه، سیاست خارجی خود را به شرق سوق داد.

۱. چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

سرانجام پس از ۱۳ سال و چهار ماه، در سال ۲۰۱۵ طولانی‌ترین مذاکرات و مسأله سیاسی و بین‌المللی میان ایران و کشورهای ۵+۱ بر سر یک «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) به توافق رسید. در دیباچه برجام آمده است: جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱، در مورد برجام اطمینان خواهد داد که برنامه هسته‌ای ایران مطلقاً صلح‌آمیز خواهد بود و از تغییر رویکرد ایران به این مسئله استقبال خواهد کرد» (Valadbaygi, 2023: p. 45-65). «باتوجه به هدف اصلی برجام مبنی بر ممانعت ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای (Chalabi, 2019: 18)، تصمیم‌گیری برجام بازتاب یک فرآیند گام‌به‌گام و مشتمل بر تکالیف متقابل به‌نحو مندرج در این سند و پیوست‌های آن می‌باشد که به‌دلیل داشتن ابعاد صلح و امنیتی آن، توسط شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفت (Valadbaygi, 2023: p. 75-85). اما ترامپ ۱۶ ماه پس از ورود به کاخ سفید در هشتم ماه مه ۲۰۱۸م، به حضور آمریکا در آنچه پیش‌تر از سوی ناظران سیاسی «توافق قرن» خوانده می‌شد، با بهانه‌های واهی پایان داد. از آن روز جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی کرد تا بتواند همچنان توافق را زنده نگه دارد. اما حاصل آن چیزی جز سایه سنگین تحریم‌های دوباره این کشور بر علیه ایران نبود. ترامپ در ماه‌های ابتدای ریاست جمهوری خود، بسیاری از سیاست‌های اوباما را ملغی کرد که خروج آمریکا از برجام یکی از مهم‌ترین این رخدادها بود (روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۰۲۰/۵/۸). در این دوره که به «پسابرجام» معروف است، با ادامه اعمال سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران، با شعار «هر هفته یک تحریم» همراه بود، و تحریم‌های یک‌جانبه بر علیه ایران دوباره از سرگرفته شد (Salehi & et. al., 2019: p. 133).

۱-۱. واقع‌گرایی تهاجمی

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی[1] در روابط بین‌الملل[2]، توسط جان میرشایمر پدید آمده و با امنیت نیز در پیوند است. نظریه واقع‌گرایی تهاجمی بخشی از رویکرد ساختاری نوواقع‌گرایی[3] به روابط بین‌الملل است (Pribadi, 2013: p. 32). میرشایمر معتقد است که «دولت‌ها در نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای تهاجمی عمل می‌کنند و جستجوی قدرت توسط دولت‌ها حدومرزی ندارد. ... واقع‌گرایان تهاجمی استدلال می‌کنند که

1. Offensive Realism
2. John Mearsheimer
3. Neo-Realism

دولت‌ها همیشه باید در جستجوی فرصت جهت کسب منابع قدرت بیشتر باشند و باید چنین راهبردی را هر زمانی که ممکن است، به‌کار گیرند. دولت‌ها همیشه باید درپی حداکثرسازی قدرت باشند و هدف نهایی آن نیز باید سلطه باشد؛ چراکه این تنها راه بقای دولت‌هاست (Khorasani Esmaeili & et.al., 2019: p.118). دولت‌ها از این طریق در جهانی هرج‌ومرج‌وار می‌توانند امنیت خود را تأمین کنند، دولت‌ها در این نظریه با افزایش امنیت خود در سیاستی تجدیدنظرطلبانه که قدرت‌های بزرگ بیشتر درپی آن هستند، موجب کاهش امنیت بازیگران دیگر می‌شوند. «دولت‌ها پیوسته تهدیدگر امنیت یکدیگر می‌باشند. با تهدید امنیت، منافع آنها به‌طور سازش‌ناپذیری در تضاد باهم قرار می‌گیرد. بنابراین، در وضعیت هرج‌ومرج روابط جهانی، منازعه میان آنان غیرقابل پیشگیری است، به‌طوری‌که منابع خود را در این راستا به‌کار می‌گیرند (Shiping, 2015: p. 143). لذا، نه‌تنها قدرت‌های بزرگ درپی افزایش قدرت خود در ساختار پرهرج‌ومرج نظام بین‌الملل هستند، بلکه قدرت‌های منطقه‌ای نیز تلاش می‌کنند تا با افزودن بر قدرت خود، بر منطقه خویش مسلّط باشند. آنها نیز به‌نوبه خود، ساختارهای منطقه‌ای را که بخشی از ساختار کل نظام هستند، تحت تأثیر قرار داده و رقبای منطقه‌ای را به‌سوی اتخاذ راهبردهای مشابه سوق می‌دهند. این وضعیت، قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه را نیز بیشتر تحریک کرده و درنهایت «معمای امنیت»[1] میرشایمر شکل می‌گیرد. معمای امنیت، منطق اساسی واقع‌گرایی تهاجمی را بازتاب می‌دهد؛ چراکه اساس آن بر این امر استوار است که به میزانی که یک دولت می‌کوشد تا امنیت خود را افزایش دهد، معمولاً امنیت دیگر دولت‌ها را کاهش می‌دهد؛ از این‌رو، برای یک دولت بسیار سخت خواهد بود تا شانس خود را برای بقای خویش، بدون بقای دیگران تضمین کند (Mearsheimer, 2014: p. 34). در مورد خروج آمریکا از برجام و پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی آن برای ایران، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی از این جهت انتخاب شد که ترامپ در سیاست «عظمت را دوباره به آمریکا برمی‌گردانیم» (Martosko, 2015: p. 1)، تلاش کرد به‌عنوان یک ابرقدرت که جایگاه خود را در رقابت با چین و روسیه در خطر می‌بیند، برای تثبیت قدرت خود در منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه، در برجام به‌عنوان یک معاهده ضعیف، تجدیدنظر کند و با آوردن ایران به مذاکرات جدید، با سیاست تهاجمی فشار حداکثری، سلطه خود را به نمایش گذاشته و امنیت خود را در منطقه‌ای پرهرج‌ومرج افزایش دهد. آمریکا با سیاست افزایش امنیت خود در منطقه، امنیت ایران را کاهش داد و ایران را نیز به اتخاذ سیاستی تهاجمی، به‌عنوان پیامد خروج آمریکا از برجام ترغیب کرد. همچنین اقتدار قاطعانه ایران

1. Security Dilemma

بعد از بهار ۲۰۱۹ ثابت کرد که ایران در برابر فشار خصمانه آمریکا و اسرائیل در منطقه ایستادگی کرده و فشار حداکثری آمریکا به‌سختی توانسته سیاست خارجی ایران در خاورمیانه را تغییر دهد.

۲. پرونده هسته‌ای ایران و پیشینه تاریخی آن

علاقه ایران به داشتن انرژی هسته‌ای از دهه ۱۹۶۰م و در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی ـ متحد آمریکا و غرب ـ آغاز شد. ایران در سال ۱۹۵۷م توافقنامه همکاری هسته‌ای با آمریکا را تحت عنوان «اتم‌ها برای صلح» امضاء کرد. ایالات‌متحده به ایران برای ایجاد رآکتورهای هسته‌ای در دانشگاه تهران که در فعالیت‌های تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، کمک کرد (Bobkin, 2023: p. 125). ایران در سال ۱۹۶۸م اقدام به امضاء معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کرد و در سال ۱۹۷۴م محمدرضا پهلوی برنامه خود را برای ساخت ۲۳ نیروگاه اتمی در ایران اعلام کرد که منجربه افزایش تردیدها و گمانه‌زنی‌ها در مورد انگیزه‌های واقعی وی در پسِ گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای شد. دلیل ایجاد این تردیدها، تنش‌های فزاینده ایران با عراق بر سر منطقه مورد مناقشه اروندرود بود. از این‌رو این ترس و نگرانی وجود داشت که هدف واقعی تلاش‌های تهران از ساخت نیروگاه‌های مذکور، برای توسعه قابلیت‌های هسته‌ای نظامی‌اش باشد. آشکار شدن موضوع هسته‌ای ایران در صحنه بین‌المللی که برای قدرت‌های بزرگ و کشورهای همسایه ایران ایجاد نگرانی کرده بود و وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹م ایران سبب شد تا آمریکا گامی جدی در جهت پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران بردارد (Malus, 2018: p. 128).

۳. افزایش شک بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران

فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای مدتی مسکوت ماند، اما پس از حمله نظامی عراق به ایران و حمایت کشورهای منطقه، آمریکا و شوروی از او (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱: ص۱۰۲۳)، ایران براساس منطق «خودیاری» در محیط پر از هرج و مرج و در راستای تأمین بقاء و امنیت خود بر آن شد تا امنیت خود را از طریق اتکاء به توانمندی‌های داخلی تأمین کند. این امر باعث نگرانی آمریکا و اسرائیل شد. به‌نحوی که در سال ۱۹۹۲م، نخست‌وزیر اسرائیل درخواستی مبنی بر اتخاذ تدابیر بین‌المللی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مطرح کرد. از سال ۱۹۹۵م، آمریکا با هدف قطع کامل روابط تجاری با ایران، سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران و سپس سرمایه‌گذاری و تجارت در آن را به‌طور کلی منع کرده و در سال ۱۹۹۶م قانون هرگونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز در ایران و لیبی توسط

تمام کشورها را تصویب کرد. در سال ۲۰۰۲م، گروه مجاهدین خلق ایران اعلام کرد که ایران به دور از چشم جهان و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در حال غنی‌سازی اورانیوم است. ایران متعاقباً با صدور بیانیه‌ای این موضوع را تکذیب کرد و مدعی شد که فناوری هسته‌ای ایران صرفاً صلح‌آمیز و مبتنی بر توانمندی بومی است و سانتریفیوژهایی وارد کرده که روی آن‌ها غبار اورانیوم غنی‌شده وجود داشته است. اما پس از آن، افشای اطلاعات و گزارش‌های بین‌المللی و برخی اخبار منتشره نشان داد که ایران واقعاً فعالیت‌های هسته‌ای محرمانه‌ای انجام داده و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاعی نداده است. اتهاماتی که سرآغاز چالش‌هایی اساسی در سطح بین‌الملل بین ایران و کشورهای مدعی برنامه هسته‌ای ایران گردید و ایران را در معرض سخت‌ترین تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه از سوی آمریکا و متحدانش قرار داد. اعمال این تحریم‌ها و خروج و یا خودداری بسیاری از شرکت‌های نفتی از سرمایه‌گذاری در ایران باعث شد که ایران در بخش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی و به‌تبع آن در اقتصاد، با آسیب جدی مواجه شود (مشهدی و رشیدی، ۱۳۹۴: ص۴۶).

٤. برجام و واکنش‌ها به آن

برنامه جامع اقدام مشترک توافقی است که در سال ۲۰۱۵م بین ایران و گروه ۵+۱ با کمک آلمان، تحت نظارت مستقیم اتحادیه اروپا حاصل شد. هدف آن، تلاش برای رفع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تضمین استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، داشتن اجازه بازرسی‌های بین‌المللی از تأسیسات هسته‌ای و همچنین حصول اطمینان از اینکه برنامه هسته‌ای ایران، تهدیدی برای امنیت منطقه یا تهدیدی برای کشورهای همسایه به‌ویژه کشورهای خلیج‌فارس و اسرائیل نخواهد بود. تحریم یکی از ابزارهای اصلی آمریکا برای مهار فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود. در دوران ترامپ، سیاست «فشار حداکثری» با هدف نابودی اقتصاد ایران و مجبور کردن آن به بازگشت به میز مذاکره اجرا شد. اما این سیاست نه‌تنها به‌نتیجه مطلوب نرسید، بلکه باعث افزایش مقاومت ایران و تشدید همکاری‌های آن با سایر قدرت‌های بزرگ شد (Katzman, 2021: p. 44).

٥. مهم‌ترین ادوار مذاکره ایران و ۵+۱ مرتبط با موضوع هسته‌ای

در سال ۲۰۰۳م، سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان به ایران پیشنهاد دادند که در ازای تأمین سوخت هسته‌ای این کشور و همکاری با آن در زمینه‌های مختلف، ایران کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را به‌حالت تعلیق درآورد. ایران در سال ۲۰۰۴م به‌طور موقت این پیشنهاد را پذیرفت، اما در سال ۲۰۰۵م

فعالیت‌های هسته‌ای خود را مجدد از سرگرفت. در طول این سال‌ها برای تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای، پیشنهادهای زیادی اعم از مشوق‌های مختلف تا تحریم‌ها از سوی آمریکا و متحدان اروپایی برای ایران در نظر گرفته شد، اما درنهایت ایران با امتناع از قبول این پیشنهادها و تهدیدات، اقدام به گسترش فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود کرد. با این حال، در سال ۲۰۰۹م توافق موقتی در مورد انرژی هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد شد که شامل انتقال ذخایر اورانیوم ایران به روسیه و فرانسه به‌منظور تبدیل آن به سوخت هسته‌ای بود. اما این توافق به‌دلیل موج مخالفت‌هایی که در داخل ایران شکل گرفت، تا انتها تکمیل نشد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۵: ص۵۲).

از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳م مرحله دیگری از مذاکرات بین طرف‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای ایران آغاز شد که طی آن شدت تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا در بخش‌های نفت و گاز، بیمه و بانک‌های ایرانی به دلیل ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم این کشور و تلاش برای پنهان کردن برخی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بیشتر شد. این تحریم‌ها آسیب‌های زیادی به اقتصاد ایران وارد کرد و علاوه‌بر کاهش ارزش پول ایران، نرخ تورم و بیکاری را نیز افزایش داد. در این شرایط مذاکرات بین دوطرف از سرگرفته شد، اما همیشه بدون دستیابی به نقاط مشترکی که هر دوطرف را راضی کند، به پایان می‌رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ص۳۶-۴۳). در مرحله سوم مذاکرات که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵م ادامه داشت، به‌ویژه با روی کار آمدن روحانی به‌عنوان ریاست‌جمهور ایران، تحولی اساسی در صحنه سیاسی ایران رخ داد. سیاست خارجی روحانی عمدتاً مبتنی بر ضرورت تنش‌زدایی با غرب، جهت رفع تحریم‌های اقتصادی ایران و رفع آسیب‌های وارده به اقتصاد کشور بود. وی در مقایسه با دولت‌های قبلی، در سیاست خارجی ایران مواضع مشارکت‌جویانه و معتدل‌تری اتخاذ کرد. روحانی ضمن اینکه تمایل قوی خود را برای حل بحران با غرب و تلاش برای بهبود روابط با کشورهای منطقه اعلام می‌کرد، در این زمینه، با رئیس‌جمهور آمریکا تماس تلفنی برقرار کرد که در نوع خود اولین تماس بین رهبران دو کشور پس از وقوع انقلاب اسلامی است. سرانجام در سال ۲۰۱۳م، توافق موقتی بین دو کشور ایالات‌متحده و ایران در ژنو حاصل شد که براساس آن، فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ازای کاهش برخی تحریم‌های اقتصادی متوقف می‌شد. این توافق به‌مثابه ایجاد نوعی اعتماد و گفتگو بین طرف‌های ذینفع و دادن زمان بیشتر در راستای تلاش برای دستیابی به یک توافق جامع و پایدار بود و این همان چیزی بود که در ژوئیه ۲۰۱۵م در وین تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) بین ایران و کشورهای ۵+۱ اتفاق افتاد. توافقی که حصول آن واکنش‌های متنوعی را در سطح ملی و بین‌المللی به همراه داشت.

٦. خروج ایالات‌متحده از برجام، پیامدها و واکنش‌ها

همان‌طور که ذکر شد، توافق ۲۰۱۵ برجام چندان دوام نیاورد و با خروج ناگهانی و یک‌جانبه آمریکا از این معاهده بین‌المللی پس از پیروزی ترامپ رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا در سال ۲۰۱۸م، لغو شد. تصمیم ترامپ خشم متحدان اروپایی و همچنین روسیه و چین را برانگیخت، در حالی‌که اسرائیل، عربستان، امارات و بحرین از آن حمایت کردند. اوباما که توافق هسته‌ای با ایران را مهم‌ترین دستاورد سیاست خارجی خود می‌دانست، تصمیم ترامپ را «اشتباهی بزرگ» دانست و هشدار داد که خروج آمریکا از توافق، جهان را دچار ناامنی کرده و باعث دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و یا بروز جنگ دیگری در خاورمیانه خواهد شد (Ibsen, 2019: p. 82). ترامپ ضمن خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای، علاوه‌بر لغو معافیت‌های آمریکا برای شرکت‌های خارجی مستقر در ایران، مجدداً شدیدترین تحریم‌های اقتصادی را علیه این کشور اعمال و سپاه پاسداران را به‌عنوان سازمان تروریستی اعلام کرد. او سیاست چماق و هویج اوباما، رئیس‌جمهور سابق را محکوم و اعلام کرد ایران در حال انجام فعالیت‌های هسته‌ای مخفی است. لذا، ایالات‌متحده از این توافق خارج می‌شود. همچنین دولت ترامپ این توافق را با موضوع حقوق‌بشر در ایران مرتبط ساخت و تهران را به بهانه دستیابی به توانایی هسته‌ای از طریق کاهش تحریم‌ها و نیز پشتیبانی و حمایت مالی از گروه‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه، به‌ویژه گروه‌های علیه منافع ایالات‌متحده و متحدانش دانست، و گفت: «این یک توافق وحشتناک یک‌طرفه بود که هرگز و هرگز نباید انجام می‌شد» و آن را بدترین توافق دیپلماتیکی و شرم‌آور دانست که آمریکا تاکنون به‌دست آورده است (برزگر، ۱۳۹۷: ص۲۴۲۲). اما آمریکا با خروج از برجام به اهداف موردنظر خود دست نیافت؛ زیرا سیاست‌های فشار حداکثری در تغییر رفتار ایران در سطح منطقه و مجبور کردن ایران به بازگشت مجدد به مذاکره، برای آمریکا نتایج مطلوبی به همراه نداشت. برعکس، ایران با حمایت بیشتر از حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن، حمایت از بشار اسد در سوریه و... در مخالفت با فشار حداکثری آمریکا و برای محار کردن او در منطقه، راهبرد مقاومت را در پیش گرفت. همچنین ایران در سرعت بخشیدن به برنامه موشکی و فعالیت‌های دریایی خود، به‌ویژه در خلیج‌فارس تلاش زیادی کرد. ایالات‌متحده معتقد بود که این توافق برای محدود کردن فعالیت‌های غنی‌سازی ایران در کوتاه‌مدت بوده است. لذا، اگرچه سازوکاری برای محدود کردن توانایی ایران برای تولید تسلیحات هسته‌ای فراهم کرده، اما در عین‌حال با داشتن نقص‌هایی در: ۱. بازرسی‌ها به این معنی که برجام صلاحیت کامل انطباق ایران یا تعهداتش، ذیل پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای ارائه نداد، ۲. بندهای غروب آفتاب که به‌طور مؤثری مسیرهای مختلفی را جهت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در اختیار ایران می‌گذاشت، ۳. مقررات مربوط به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما که

اوباما آن را بدون توجه به نگرانی‌های متحدان اروپایی در توافق برجام وارد نکرد. علاوه‌بر نقایص ذکر شده از دید سیاستمداران آمریکا، لغو تحریم‌های ایران و آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران، فرصتی برای تأمین مالی گروه‌های تروریست‌ها در خاورمیانه توسط ایران فراهم کرده است و نیز نادیده گرفتن توانایی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران ازجمله حمایت از تروریسم در توافق برجام. درنتیجه، نگرانی ایالات‌متحده و متحدان خاورمیانه‌ای و اروپایی‌اش، باعث شد ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸م به‌صورت یکجانبه از توافق هسته‌ای ایران خارج شود. خروجی که پیامدها و تأثیرات زیادی بر طرفین توافق اعم از طرف ایرانی و آمریکایی و کشورهای گروه ۵+۱ و اتحادیه اروپا و سایر طرف‌های درگیر با مسئله هسته‌ای ایران داشت.

۷. بازگشت نگاه به شرق؛ راهبرد یا تاکتیک

به‌صورت کلاسیک همیشه در ایران نیروهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو از تنش‌زدایی با غرب حمایت کرده‌اند و در مقابل نیروهای محافظه‌کار و تندرو نگاه به شرق را ارجح دانسته‌اند. خروج آمریکا از برجام در سیاست خارجی ایران، حس بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به ایالات‌متحده را تشدید کرد و این موجب به حاشیه رانده شدن نیروهای طرفدار تنش‌زدایی با غرب و به‌ویژه آمریکا در ایران شد. هر چقدر روابط ایران در دولت‌های خاتمی و روحانی نگاه به غرب را در دستور کار خود قرار داده بود، دولت احمدی‌نژاد گسترش مناسبات با چین و روسیه و همچنین کشورهای جهان سوم آفریقایی و آمریکای لاتین را دنبال کرد. کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان بعد از خروج آمریکا از برجام، تلاش بسیاری برای حفظ برجام کردند، اما سرانجام نتوانستند به منافع تجاری و سرمایه‌گذاری‌های خود در برابر موج جدید تحریم‌ها پایبند بمانند. سازوکار مالی اتحادیه اروپا با ایران که قرار بود خیلی زود پس از خروج آمریکا، مراودات مالی با تهران را سر و سامان دهد، جز در چند معامله محدود در حوزه مواد دارویی و پزشکی کارایی دیگری نداشت. نه‌تنها کشورهای اروپایی که حتی مشتریان آسیایی هم به سختی نفت ایران را خریداری می‌کنند. ایران متعاقباً طی بیانیه‌ای در اردیبهشت ۱۳۹۸ علناً کاهش پایبندی خود به تعهدات هسته‌ای را در پنج گام (توقف ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب‌سنگین، عبور از غنی‌سازی ۳/۶۷، محدودیت‌های تحقیق و توسعه، گازدهی در فردو و درنهایت توقف تمام محدودیت‌های عملیاتی ایران در برجام) اعلام کرد (وزارت امورخارجه، ۱۴۰۰: ص۱۷۲-۱۷۱). در شرایطی که مقام‌های ایران از آمریکا خصم و از اروپا سردی دیدند، چاره‌ای جز نگاه به شرق نداشتند. تمرکز اصلی نظریه نوواقع‌گرایی، حداکثرسازی قدرت کشورها در ساختار قدرت بین‌المللی می‌باشد. واقع‌گرایان تهاجمی استدلال می‌کنند که دولت‌ها هرچه بیشتر قدرت به‌دست آورند، در شرایط مناسب می‌توانند سلطه را

دنبال نمایند (اکبرپورآلمه جوقی و همکاران، ۱۴۰۱: ص۱۵۹-۱۶).

۸. خاورمیانه؛ مغشوش‌تر از همیشه در پسابرجام

در دوران پسابرجام، آمریکا به شیوه‌های مختلف اعم از تشویق و تهدید، تحریم و نهایتاً ترور دانشمندان هسته‌ای سعی کرد تا ایران را به پای میز مذاکره بکشاند. پررنگ‌ترین اتفاق در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران، ترور سردار سلیمانی و دیگر دانشمندان ایران از سوی آمریکا بود (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۹: ص۱۴۹). این امر نتیجه مجموعه سیاست‌های تند و تقابلی بود که واشنگتن از زمان حضور ترامپ در کاخ‌سفید علیه ایران پی گرفته بود. این سیاست بر روابط خارجی خاورمیانه‌ای ایران هم تاثیر پررنگی گذاشت. تنش‌های تهران و تل‌آویو به بیشترین حد در طی سالیان خود رسید. اسرائیل بارها انبار و تاسیسأت و حتی نیروهای ایران در سوریه را مورد هدف قرار داد. شعله‌ور شدن آتش تنش‌های میان ایران و اسرائیل بسیاری از ناظران سیاسی را نگران به راه افتادن یک جنگ تمام‌عیار میان دو بازیگر تاثیرگذار منطقه‌ای کرد. از سوی دیگر، تنش‌ها در خلیج‌فارس به بالاترین حد رسید و علاوه‌بر درگیری قایق‌های سپاه با کشتی های آمریکایی و همچنین سرنگونی پهپاد آمریکایی توسط ایران که بدون توجه به اخطارهای رادیویی به حریم هوایی و سرزمینی ایران تجاوز کرد و سپاه ایران بر پایه حق دفاع مشروع خود آن را بر فراز تنگه هرمز ساقط کرد و طی نامه‌ای به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل گفت: «این کار ارتش آمریکا اقدامی غیرقانونی و خطرناک بر علیه تمامیت ارضی ایران است. ایران به‌دنبال جنگ نیست، اما مصمم است با قدرت از حریم زمینی، دریا و هوای خود دفاع کند» (سایت تابناک، ۱۳۹۸). بحران کشتی‌ها و نفتکش‌ها به سواحل جنوبی خلیج‌فارس هم سرایت کرد. بعد از سقوط پهباد، آمریکا برای تقویت دفاعی خود ناو هواپیمابر آبراهام لینکن را به خلیج‌فارس فرستاد و برای حمله تلافی‌جویانه به ایران، برنامه‌ریزی کرد که با مخالفت مقامات ارشد پنتاگون مواجه شد. در این راستا، پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا گفت «این یک وضعیت خطرناک است. ما با کشوری روبرو هستیم که بازیگر بدی در منطقه است. ما هیچ توهمی در مورد ایران از نظر انتقال موشک‌های بالستیک نداریم» (The newYork times, 2019). ایران نیز متقابلاً با حداکثر توان نظامی خود نیروهای نیابتی‌اش را در حال آماده‌باش قرار داد (Divsallar & Otte, 2019: p. 5-3). طبق نظر رئالیسم تهاجمی، با افزایش قدرت دولت و قدرت ملی، دولت‌ها سیاست توسعه‌طلبانه‌تری پیدا کرده و برای افزایش نفوذ بین‌المللی‌شان، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهای خود می‌کنند (آدمی و دشتگرد، ۱۳۹۱: ص۴). در این راستا، تشکیل اجماع عربی ـ غربی ـ عبری، معادلات منطقه‌ای را تا حدودی دستخوش دگرگونی کرد.

آمریکا با تشکیل ائتلاف نظامی ـ عربی و با هدف تقویت موقعیت در منطقه غرب آسیا سعی کرد زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه فراهم آورد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ص۱۰۲۵) و با تحریک قدرت‌های رقیب ایران در منطقه، به‌خصوص عربستان، به تغییر موازنه قدرت در منطقه دست زند (سوری، ۱۳۹۷: ص۸۵). هدف آمریکا به رخ کشیدن قدرتش با تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و تسلط بر آن بود که موفق نشد. طرفداران رئالیسم تهاجمی معتقد به سیاست تهاجمی دولت‌ها هستند. آمریکا نیز با این هدف و با جا انداختن آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و ایجاد ساختار هرج‌و مرج در منطقه که خودیاری را الزام‌آور می‌کرد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ص۴۲۲) و با تکیه بر اینکه «امنیت جزئی از جریان است و قدرت همیشه امنیت را تأمین می‌کند». از سوی دیگر، با تغییر دیدگاه تنش‌زدایی با غرب در ایران، ایده سیاسی جریان موسوم به مقاومت در تحولات منطقه‌ای ایران مانند لزوم ایستادگی و قدرت‌نمایی در منطقه به‌ویژه در مقابل ایالات‌متحده و اسرائیل پررنگ‌تر شد. بعد از لغو برجام، ایران یک سال صبر کرد و بعد از آن به‌تدریج سیاست خارجی خود را تهاجمی کرد و به مرور شاهد یک سیاست خارجی پرخاشگرانه از سوی ایران بودیم. ایران طی این مدت نشان داده که اولاً تسلیم فشارهای اقتصادی نمی‌شود و ثانیاً، اگر بخواهد، می‌تواند منطقه را برای همه ناامن کند. نکته مهم این است که اگر کشوری احساس کند چیزی برای از دست دادن ندارد، احتمال اینکه دست به کارهای خطرناک بزند، بسیار بالا می‌رود؛ اقداماتی که می‌تواند عواقب بسیار خطرناک‌تری درپی داشته باشد.

۹. تغییر روند سیاست خارجی ایران

آمریکا با خروج از برجام، از حامیان اروپایی خواست در اعمال تحریم‌های سخت‌تر بر علیه ایران او را همراهی کنند یا منتظر عواقب رفتارشان باشند و بدین ترتیب اتحادیه اروپا را در دوگانه «استقلال از آمریکا» و «پیروی از آمریکا»، قرار داد و اروپا منطقاً گزینه دوم را انتخاب کرد؛ چراکه واجد منافع بیشتری برای آنان بود. «همزمان با این اعلام مواضع، شرکت فولادسازی «دانیلی» ایتالیا قرارداد ۱/۵ میلیارد یورویی خود با ایران را لغو کرد، شرکت دانمارکی «ای.پی.مولر ـ مائرسک» که در زمینه ترابری دریایی فعالیت می‌کند نیز اعلام کرد که مراودات تجاری خود با ایران را متوقف خواهد کرد، مدیرعامل زیمنس آلمان هم گفت که دیگر هیچ قرارداد اقتصادی با ایران نخواهد بست و... بعید به‌نظر می‌رسید که اتحادیه اروپا در میان‌مدت و بلندمدت بتواند از مراوده ۴۵۰ هزار میلیارد دلاری خود با آمریکا چشم‌پوشی کرده و منافع شرکت‌های بزرگ و کوچک خود در آمریکا را نادیده بگیرد و پایبند به ۱۵ میلیارد دلار روابط اقتصادی با ایران باشد» (حقیقت‌خواه،

۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال سیاست‌های ایالات‌متحده در مورد مسائلی مانند تحریم، گروه ویژه اقدام مالی،[1] توان دفاعی موشکی و حقوق بشر سعی نمود سیاست‌های متقابلی را از خود نشان دهد و به سمت شرق متمایل شد؛ در همین راستا، سندهای همکاری مختلفی (مانند برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترك ایران و چین) را امضاء کرد و وارد سازمان همکاری شانگهای شد. جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های خود درخصوص منطقه و نظام بین‌الملل به سمت کشورهای همسایه تمایل پیدا کرد و درصدد افزایش توان قدرت سیاسی، امنیتی و نظامی محور مقاومت برای دستیابی به اهداف کلان خود در سیاست خارجی‌اش برآمد (مهرابی، ۱۴۰۱: ص۶۴). یکی از تاثیرات مسلّم خروج آمریکا از برجام، تقویت همکاری ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی، به‌ویژه روسیه و چین، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و فناوری بود، این همکاری‌ها به‌نحوی طراحی شده‌اند که ظرفیت به چالش کشیدن نظم جهانی تحت رهبری آمریکا در آینده‌ای نه‌چندان دور را دارند. طبق برخی گزارش‌ها در پسابرجام، همکاری‌های نظامی گسترده‌ای بین دو کشور روسیه و ایران برقرار شد و چین نیز از طریق خرید نفت از ایران و روسیه، به تأمین مالی هر دو کشور کمک کرده است. این همکاری‌ها تنها به حوزه نظامی محدود نمی‌شوند، بلکه شامل تلاش‌هایی برای کاهش وابستگی به دلار و ایجاد شبکه‌های تجاری امن برای کم‌اثرسازی تحریم‌های آمریکا هستند. مهم، وجه معنایی و راهبردی جنس این همکاری‌ها شامل گردهم آمدن مجموعه‌ای از کشورهای ناراضی از نظم موجود، حول هدف مشترک براندازی اصول، قوانین و حتی سازمان‌های منتسب به نظم بین‌الملل کنونی است.

۹-۱. نزدیکی ایران و چین

به‌طور کلی خروج آمریکا از برجام، بی‌اعتمادی ایران به غرب را تقویت کرد و این کشور را به تحکیم روابط خود با شرق، به‌ویژه چین و روسیه، با هدف کم‌تر کردن آثار منفی تحریم‌های اقتصادی، خروج از انزوای بین‌المللی، توسعه روابط تجاری، دستیابی به تسلیحات و فناوری پیشرفته و همچنین تقویت روابط با دو عضو دائم شورای امنیت که می‌توانند از حق وتوی خود برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران استفاده کنند، سوق داد و ایران را به بازسازی ساختار سیاست خارجی خود واداشت. ایران همزمان با ایجاد یک محور آسیایی، محوری با ابعاد اقتصادی، ژئوپلیتیکی و جغرافیایی، چرخش سیاست خارجی خود به سمت شرق را آغاز کرد (رؤوف، ۲۰۲۲: ص۲۰۴). در این راستا، پکن نخستین مقصد سفر وزیر امورخارجه ایران بلافاصله پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای بود که نشان‌دهنده اهمیت چین برای ایران

1. FATF

در راستای کاهش آثار تحریم‌های آمریکا علیه کشور است؛ زیرا چین مهم‌ترین شریک تجاری ایران و در عین‌حال یکی از اعضای توافق هسته‌ای است. با این حال، خروج آمریکا از برجام بر دیدگاه چین نسبت به روابط تجاری با ایران تأثیر گذاشت و چین را واداشت تا از ترس تحت تأثیر قرار گرفتن از تحریم‌های آمریکا، برخی از سرمایه‌گذاری‌های خود را از ایران خارج و واردات نفت از آن را متوقف کند. آنچه چین را وادار به ایجاد تعادل در سیاست خود کرد، از یک‌سو، اهمیت ثبات خاورمیانه به‌طور کلی و ایران به‌طور خاص برای چین بود؛ زیرا شاهراه ثبات «کریدور چین ـ آسیای میانه ـ آسیای غربی» از آن می‌گذرد. از دیگر سو، روابط چین با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و ترس آن کشور برای از دست دادن متحدان منطقه‌ای، چین را به سمت موازنه قدرت در منطقه سوق داد. با این حال، ایران به روابط خود با چین پایبند بوده و براساس منافعی که برای ایران و مردم محقق شد، تلاش می‌کند جهت‌گیری سیاست به سمت شرق را عمق ببخشد و در این چارچوب، روابط خود را با کشورهای شرق آسیا گسترده‌تر کند تا سیاست گرایش به شرق از اصل تعادل و جستجوی منافع راهبردی و ملی خارج نشود (Katzman, 2021: p. 44).

۹-۱-۱. همکاری اقتصادی و نظامی ایران و چین

ایران برای کم کردن اثر تحریم‌ها و سود مشترک، با چین قراردادهای تجاری منعقد کردند:

- قرارداد ۲۵ ساله فروش نفت ایران به چین در ازای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در زمینه زیرساخت‌ها به‌ویژه راه‌آهن و بنادر ایران.
- گسترش خطوط لوله گاز و نفت از جنوب ایران به دریای مدیترانه از طریق عراق و سوریه.
- همکاری با روسیه برای اتصال دریای عمان و خلیج عربی به شمال اروپا از طریق روسیه و سواحل جنوب ایران به دریای بالتیک.
- همکاری اطلاعاتی و ساخت شبکه‌های نسل پنجم.
- توسعه همکاری‌های دفاعی و نظامی در زمینه‌های تحقیقاتی و صنایع دفاعی.

۹-۲. نزدیکی ایران و روسیه

از دیدگاه ایران، روسیه قطب مهمی در برابر سلطه آمریکاست. روسیه به‌عنوان یکی از امضاءکنندگان برجام، توانست توازن عجیبی را بین آسیا و غرب حفظ کند. روسیه و ایران مدت‌هاست که نسبت به غربی‌ها که متحدان غیرقابل اعتمادی هستند، بی‌اعتمادی مشترک دارند. از نظر ایران، خروج آمریکا از برجام و از نظر روسیه، «مانورهای» ناتو در شرق اروپا، از این موارد است. مسکو بیش از هر زمان دیگری علاقه‌ای به نزدیکی

بین آمریکا و ایران ندارد. روسیه تحت تحریم برای مدت نامعلومی ایران را که بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان را دارد، آزاد می‌گذارد تا خود را به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین پایدار برای غربی‌ها تحمیل کند. روسیه و ایران، متحدانی که با غرب روبه‌رو هستند، اکنون وضعیت مشابهی دارند. هر دو تحت یک رژیم تحریم شده‌اند، هر دو از صحنه بین‌المللی کنار گذاشته شده و هر دو در داخل کشور به‌علت این انزوایی که نیروی نظامی قادر به پر کردن آن نیست، با مشکلات بزرگی مواجه هستند. این به‌معنای تغییر اساسی در جهت موضع ایران، هم از نظر لفاظی و هم از نظر راهبردی است (Therme, 2022: p. 65). همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه امنیتی شامل سه حوزه فنی است:

◆ در ابتدای سال ۲۰۲۱ قرارداد «امنیت اطلاعات» در مسائل امنیت سایبری بین دو کشور به امضاء رسید.

◆ در حوزه نظامی: در پایان ۲۰۲۱ ایران با روسیه و چین در اجرای رزمایش نظامی سه‌جانبه در خلیج‌فارس شرکت کرد.

◆ در حوزه فضا: ایران ۲۰۲۲ پرتاب ماهواره «خیام» به مدار زمین را با استفاده از موشک سایوز از پایگاه «بایکور» شوروی سابق آغاز کرد (قصی، ۲۰۲۲: ص۱۲۰-۱۱۹).

ماهیت تقابل میان ایران و آمریکا، با گرایش سیاست خارجی ایران از غرب به شرق در پسابرجام و تقویت همکاری‌های ایران با روسیه و چین، با تغییر رویکرد آمریکا از تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران به جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های راهبردی ایران با این قدرت‌های نوظهور و تلاش آمریکا برای ایجاد اختلال در این روابط، به یکی از محورهای اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شد که به تغییرات در نظم جهانی مرتبط است؛ تغییراتی که خود را در قالب شکل‌گیری ائتلاف‌های ضد نظم باسابقه آمریکایی و همکاری‌های راهبردی ایران با قدرت‌هایی چون چین و روسیه به نمایش گذاشته است. در این شرایط، ایران با بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از تحولات جهانی، توانسته نقش مؤثرتری در منطقه ایفا کند (Mahjoob & Nael, 2022, p. 88). بر این اساس، هدف جدید و امروزی آمریکا در قبال ایران، ایجاد اخلال و در صورت امکان، منقطع‌سازی ایران از چین و روسیه و جلوگیری از شکل‌گیری پیوندهای راهبردی و بلندمدت میان این قدرت‌های نوظهور است. «سوزان مالونی» نایب‌رئیس «مؤسسه بروکینگز» و رئیس بخش سیاست خارجی تأکید می‌کند که: «امروز قدرت منطقه‌ای ایران و توسعه شبکه نیابتی ایران در غرب آسیا تهدید اصلی برای منافع آمریکا و هم‌پیمانان آن است». از نظر «جان آلترمن» رئیس «برنامه خاورمیانه» در «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل» «اشتباهات راهبردی واشینگتن در قبال ایران طی چهار دهه گذشته را

دو ابزار مهم و اساسی ایران یعنی برنامه موشکی و شبکه شبه‌نظامیان هم‌پیمان در منطقه، محل نزاع اصلی آمریکا با ایران در فضای قدرت‌گیری منطقه‌ای ایران تعریف می‌کند».

۹-۳. سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای خلیج‌فارس

در دوران پسابرجام، ایران با تغییر رویکردهایش با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، با طیف متفاوتی از بازگشت روابط دیپلماتیک و مشارکت اقتصادی و... سعی در به حداکثر رساندن نقش منطقه‌ای خود و کاهش نقش آمریکا در خاورمیانه داشت.

۹-۳-۱. مبادلات تجاری با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس

در ابتدای سال ۲۰۱۸م، امارات به‌عنوان سومین بازار بزرگ صادرات غیرنفتی ایران و دومین شریک وارداتی آن، عمان در رتبه دهم صادرات و چهاردهم واردات و کویت در رتبه هجدهم صادرات و رتبه شصتم واردات قرار داشتند. رتبه ۱۹ در صادرات و رتبه ۷۰ در واردات برای بحرین و عربستان نسبت به بقیه کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس با کم‌ترین مقدار بود. بر این اساس، ایران شروع به گسترش همکاری اقتصادی با کشورهای متحد آمریکا و اسرائیل در منطقه کرد (Mahjoob & Nael; 2022: p. 118). واردات و صادرات ایران از امارات که در اواخر ۲۰۱۹م به ۵/۷ میلیارد دلار کاهش یافته بود، در سال ۲۰۲۱م، واردات ایران از امارات با رشد ۱۵۷ درصدی، به ۵/۹ میلیارد دلار و صادرات نیز ۳۳ درصد افزایش یافت. تجارت بین دو کشور که در نوسان بود، در سال ۲۰۲۲م کاهشی شد و ایران این کاهش را ناشی از ضعف زیرساخت‌های بندری ایران دانست. ایران با تقویت روابط خود قطر با به‌عنوان یک شریک تجاری، کاهش روابط با امارات را جبران کرد. شرکت کشتیرانی ایران تجارت و سرمایه‌گذاری خود را با قطر تقویت کرد و با ایجاد کمیته مشترک حمل و نقل هوایی و دریایی، صادرات ایران به قطر ۸۱ درصد افزایش یافت. پس از هفت سال قطع ارتباط دیپلماتیک و نظامی بین عربستان و ایران ـ درپی حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران ـ دو کشور با میانجی‌گری چین (۲۰۲۳) طی بیانیه مشترکی از سرگیری روابط دیپلماتیک بین تهران و ریاض و همچنین حل اختلافات براساس مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی را اعلام کردند. عربستان حداقل به دلیل ناکامی ایالات‌متحده در پاسخ به حملات موشکی ایران در سپتامبر ۲۰۱۹م که با هواپیماهای بدون سرنشین به تأسیسات نفتی و شرکت نفت آرامکو عربستان حمله کرد (Keynous & Wastindg, 2022: p. 25)، وقتی از آمریکا برای حفاظت از امنیت خود ناامید شد، توافق با ایران را برای ایجاد رابطه دوستانه مثبت ارزیابی کرد. اما هدف تهران از این توافق، خنثی کردن فشار فزاینده اعراب با گسترش روابط خود با متحدان در منطقه و

تلاش برای خنثی کردن همکاری احتمالی اسرائیل با کشورهای عربی برای حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران بود. پس از خروج آمریکا از برجام، ایران با کمک‌های تسلیحاتی به شبه‌نظامیان، از نیروهای سوریه، لبنان، فلسطین و عراق برای تهدید اسرائیل حمایت کرد. در سال ۲۰۱۹م، اسرائیل از ایران خواست که از تلاش‌های خود برای تبدیل سوریه و لبنان به پایگاهی برای رویارویی مستقیم با اسرائیل دست بردارد. اسرائیل با حمله به انبارهای تسلیحاتی نیروهای حشدالشعبی در عراق و یک کارخانه موشک‌های هدایت‌شونده حزب‌الله در بیروت، توانایی‌های بالای اطلاعاتی و تهاجمی خود را برای بازدارندگی ایران به نمایش گذاشت. اما ایران با این حملات منصرف نشد، در سپتامبر همان سال، نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در پاسخ به این حمله هوایی از حومه دمشق به سمت اسرائیل موشک شلیک کرد. در سال ۲۰۱۹م کنفرانس بیت‌المقدس بین مشاوران امنیت ملی روسیه، اسرائیل و آمریکا برگزار شد که طی آن روسیه حمایت قانونی خود را از حضور ایران در سوریه اعلام کرد. با انعقاد توافق‌های ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰ میان اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین و به‌دنبال عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل، تهران در سال‌های بعد تلاش‌هایی را برای ترمیم روابط خود با کشورهای خلیج فارس دنبال کرد، تا بدین‌وسیله سلطه منطقه‌ای‌اش را با عادی‌سازی روابط خود با ابوظبی و ریاض با حفظ منافع ایران و مقابله با تلاش‌های آمریکا و اسرائیل برای منزوی کردن ایران را در منطقه تقویت کند.

۱۰. نتیجه‌گیری

با این توافق، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در ایجاد ائتلاف‌های بزرگ با شرق و همچنین تشدید دشمنی با برخی از کشورهای منطقه مانند اسرائیل و یا پایان دادن به گسست دیپلماتیک با برخی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس تغییر کرد. ایران یک بازیگر تاثیرگذار منطقه‌ای بوده که سیاست خارجی آن در درجه اول بر نیل به منافع ملی متمرکز است. باتوجه به اینکه در سطح بین‌الملل، دولت‌ها برای حفظ منافع و امنیت خود به دنبال قدرت‌یابی هستند، ایران نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای حفظ قدرت منطقه‌ای خود و امنیت و خنثی کردن اثر انواع تهدیدات مختلف امنیتی براساس منطق خودیاری در راستای حفظ بقاء و امنیت خود، با تکیه بر توانایی‌های داخلی برای بیشتر کردن قدرتش اقدام به گسترش فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کرد. اما با فضاسازی منفی درخصوص فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران توسط آمریکا و بلوک غرب، برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران اعمال شد. از همین‌رو پس از انقلاب اسلامی ایران رابطه ایران با غرب به رهبری آمریکا همواره با میزان قابل‌توجهی از تنش و اختلاف همراه بوده

است. این اختلاف به فراخور زمان، خود را در صورت‌های متنوع، از تهدیدهای نظامی تا تحریم‌های اقتصادی و مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نشان داد که ابعاد مختلف امنیتی و اقتصادی برای ایران و منطقه را به همراه داشت. اعمال این فشارها و نگرانی از بروز بی‌ثباتی بیشتر در منطقه درنهایت منجربه توافق برجام (۲۰۱۵) بین گروه ۵+۱ و ایران به‌همراه آلمان با هدف حفظ صلح امنیت بین‌المللی شد. اما در ۸ می ۲۰۱۸م و با به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، این توافق به‌صورت یکجانبه توسط آمریکا لغو شد. در دوران پسابرجام این تقابل، آمریکا با بهره‌گیری حداکثری از نسل جدیدی از ابزار تحریم، دیپلماسی با پشتوانه فشار بر علیه ایران را در دستور کار قرار داد. خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و حمایت متحدین اروپایی او، دلالت‌های مهمی برای ایران برای اثبات تقابل آشکار آمریکا و اروپا و به‌طور کلی بلوک غرب، به‌جای همکاری و تعامل با ایران داشت. ایران با بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی و برای کاستن از اثرات تحریم‌های تحمیلی آمریکا، توانست همکاری‌های خود را با چین و روسیه تقویت کند. از آنجا که آمریکا از تحریم‌ها به‌عنوان اهرم اعمال فشار بر ایران نتیجه مؤثری نگرفت، تمرکز خود را به جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های راهبردی میان ایران و قدرت‌های نوظهوری همچون چین و روسیه تغییر داد. به نظر می‌رسد آینده تقابل بین ایران و آمریکا به‌طور چشم‌گیری به توانایی آمریکا در ایجاد اختلال در شکل‌گیری ائتلاف‌های نوظهور و همچنین کنشگری مدبرانه ایران در فضای جدید گره خورده باشد. رابطه جمهوری اسلامی ایران با غرب به رهبری آمریکا پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با میزان قابل‌توجهی از تنش و اختلاف همراه بوده است. این اختلاف به فراخور زمان، خود را در صورت‌های متنوع، از تهدیدهای نظامی تا تحریم‌های اقتصادی و مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نشان داده است. در فصل اخیر این تقابل، مشخصاً از ابتدای دهه نود شمسی، آمریکا با بهره‌گیری حداکثری از نسل جدیدی از ابزار تحریم، دیپلماسی با پشتوانه فشار را در دستور کار خود قرار داد. با لغو برجام، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در ایجاد ائتلاف‌های بزرگ با شرق و همچنین تشدید دشمنی با برخی کشورهای منطقه مانند اسرائیل و یا پایان دادن به گسست دیپلماتیک با برخی کشورهای حوزه خلیج‌فارس تغییر کرد. در هر صورت ایران یک بازیگر تاثیرگذار منطقه‌ای است که سیاست خارجی آن در درجه اول بر نیل به منافع ملی متمرکز است.

منـابـع

آدمی، علی؛ دشتگرد، مجید (۱۳۹۱). ایالات‌متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاله مسئولیت. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱(۳)، ص۲۸-۱.

اکبرپورآلمه جوقی، علی؛ صالحی وثیق، محمدرضا؛ مکرمی، محمدباقر (۱۴۰۱). راهبرد امنیتی آمریکا در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱) مبتنی بر واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشتایمر. *مطالعات راهبردی آمریکا*، ۲(۷)، ص۱۵۳-۱۸۰.

باقری دولت‌آبادی، علی؛ شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۹). بررسی تاکتیک‌های جنگ روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پس از ترور سردار شهید سلیمانی. *سیاست دفاعی*، ۲۰(۸)، ص۱۴۹-۱۷۵.

برزگر، کیهان (۱۳۹۷). امکان توافق بزرگ بین ایران و آمریکا پس از خروج از برجام. *مجله گلوبال بریف*، کد خبر ۸۵۳۳۸۱.

بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*. ترجمه ابوالقاسم ره‌چمنی و دیگران. تهران: انتشارات ابرار معاصر.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۱)، نظریه والتز و سیاست خارجی ایران، مطالعه مقایس‌های دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱۶(۴)، ۱۰۰۵-۱۰۳۰.

حقیقت‌خواه، مهدی، (۱۳۹۷)، *نگاه به شرق پیشنهادی به دولت در پسابرجام*، ش۲۵۰۲، ص۱۲.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۳). *چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی*. نشر مخاطب.

رحیمی، رضا؛ یزدان‌پناه، کیومرث؛ زارعی، بهادر (۱۳۹۷). تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۰(۴)، ص۱۰۱۱-۱۰۲۷.

رؤوف، هدی (۲۰۲۳). *سیاسه ایران الخارجیة والتوجه شرقا*. صحیفه عربیه، ۲۴ فبراير ۲۰۲۲، اندبندنت عربية، تاريخ الدخول لرابط ٦ ابريل ۲۰۲۳.

سوری، روح‌اله (۱۳۹۷). *خروج آمریکا از برجام، فرصت‌ها و موانع پیش روی ایران*. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

طغیانی، مهدی (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم (مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران)*. سازمان پدافند غیرعامل کشور، قرارگاه پدافند اقتصادی، انتشارات نیلوفران.

قصی، احمد المحمد (۲۰۲۲). تداعيات الحرب الأوكرانية على العلاقات الاقتصادية الروسية الإيرانية. *مدارات إيرانية*، ۵(۱۸).

قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۵). *سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران از تقابل تا اعتمادسازی*. تهران: انتشارات تیسا.

مشهدی، علی؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های وضع شده علیه ایران بر محیط‌زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین‌الملل. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۶(۴۶).

مهرابی، حسین (۱۴۰۱). تأثیر عوامل ژئوپلیتیک نظامی کشورهای محور مقاومت بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا. *محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۶(۳).

نادری‌نسب، پرویز (۱۳۸۹). چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰(۱).

A list of the 100 most Notable books per ew YorkTimes for 2019. URL= https://www.nytimes.com/interactive/2...

Biglari, M. & Araghi, A. (2015). Examining the Role of the United States in Starting and Continuing the Iraq War Against Iran and Ways to Avoid Surprises. *Defensive Researches and Management*, 13(77), p. 157-182.

Bobkin, N.N. (2023). *Non-proliferation precedents: conflict between the US and Iran in the context of deterring the iranian nuclear program.* URL= https://journals.rcsi.science/2686-6730/article/view/144801

DiChristopher, T. (2017). *Trump's Iran Nuclear Deal Review Faces a Dangerous Path.* URL= https://www.cnbc.com/2017/04/25/trumps-iran-nuclear-deal-review-faces-a-dangerous-path.html

Divsallar, A. & Otte, M. (2019). Reviving the security function: EU. s path to save the Jcpoa, Security Policy Brief, no.113, p.1-9.

Ibsen, D. (2019). *President of the United Against Nuclear Iran*. URL= https://www.euractiv.com/authors/david-ibsen-president-of-the-united-against-nuclear-iran.

Katzman, K. (2021). *Iran's foreign and defense politics*. Congressional Research service. URL= https://bit.ly/3pIJiuF , date of inter Apr29, 2023.

Keynous, B. & Wastindge, E. (2022). *Saudia Arabia and Iran: The struggle to shape the middle east,* Chapter 2: Narratives of power politics in the Iran – Saudi relationship: the view from Tehran", Identities and Geopolitics in the middle east. Manchester University Press.

Khorasani Esmaeili, P., Azhdari, B. & Masomi, M. (2019). Outward Balancing of Saudi Arabia's New Leadership Against the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(3), p.113-147.

Mahjoob, Z. & Nael, A. (2022). Iran's trade with neighbors: sanctions impact and the Alternative. *Wiley online liberary*, 29(4).

Malus, K. (2018). From "Atoms for Peace" to "JCPOA": History of Iranian Nuclear Development. *Jindal Journal of International Affairs*, https://doi.org/10.54945/jjia.v1i6.108

Martosko, D. (2015). Exclusive: Trump Trademarked Slogan 'Make America Great Again' just Days after the 2012 Election and Says Ted Cruz has Agreed not to Use It Again after Scott Walker Booms It TWICE in Speech. *Daily Mail*, URL= https://www.dailymail.co.uk/news/article-3077773/Trump-trademarked-slogan-Make-America-Great-just-DAYS-2012-election-says-Ted-Cruz-agreed-not-use-Scott-Walker-booms-TWICE-speech.html.

Mearsheimer, J. J. (2014). *The Tragedy of Great Power Politics.* NewYork: W. W. Norton & Company.

Pribadi, W. A. (2013). On Structural Theories of International Relations: Examining Waltzian Structural Realism and Wallerstein's World System Theory. *Journal Hubungan International*, 2(1), p. 25-34.

Salehi, A., Dehshiri, M. & Hajimineh, R. (2019). The Legal-Political Nature of the United States Exit of the Joint Comprehensive Plan of Action. *Journal of Political Strategy*, 3(9), p. 133-154.

Shiping, T. (2015). *From Offensive Realism to Defensive Realism: A Social Evolutionary Interpretation of China's Security Strategy*. In: Art, R., China's Ascent. New York: Cornell University Press.

Therme, C. (2022). *The Russian-Iran Partnership in a Multipolar World*. URL= https://www.ifri.org/sites/default/files/migrated_files/documents/atoms/files/therme_russian_iran_partnership_pdf.

Valadbaygi. K. (2023). Unpacking the 2015 Iran nuclear deal (JCPOA): Internationalisation of capital, imperial rivalry and cooperation, and regional power agency. *Politics*, 45(2). https://doi.org/10.1177/02633957231172060